

چهارشنبه اول اسفند ۱۳۹۷ | ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰

تحلیل دکترامیرساعد وکیل*

پس از سپری شدن ماه‌های متممادی از خروج آمریکا از برجام و وعده‌های اتحادیه اروپا برای حفظ برجام و پایبند ماندن به الزامات متقابل در چارچوب این توافق، از ابزار حمایت از مبادلات تجاری این اتحادیه (اینستکس) پرده‌برداری شد البته در تاریکی و ابهامات فراوان!

کندی و گنگی نحوه کار اینستکس به حدی است که شائبه نبود اراده جدی یا وقت‌کشی برای برقراری بستر عملی تجارت کشورهای عضو اتحادیه اروپا با ایران را بیش از پیش مطرح ساخته است و به نظر می‌رسد به رغم اینکه اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده است ایران را به ادامه اجرای تعهدات خود در چارچوب برجام متعهد نگه دارد اما راهکار عملی مؤثری از سوی این اتحادیه برای دلگرم ساختن ایران در بی‌اثر کردن تحریم‌های یکجانبه آمریکا هنوز ارائه نشده است. تحلیل اجمالی پیشنهاد ایجاد ابزار حمایت از مبادلات تجاری اتحادیه اروپا، حکایت از سازوکاری علیل و ناقص دارد که با شکل و شمایل امروزی خود، دردی از هیچ یک از طرف‌های برجام دوا نمی‌کند. نه اعتبار و امتیازی به پای اتحادیه اروپا می‌توان نوشت که گامی بلند و تأثیرگذار در مسیر احترام به توافقات به عمل آمده در چارچوب برجام به حساب آید و نه با این نسخه تجویز شده از سوی اتحادیه اروپایی، سنگ‌های بزرگی که جلوی پای تجار ایرانی در مسیر روابط تجاری با دیگر کشورهاست، برداشته می‌شود.

به طور خلاصه، اینستکس از نقایص زیر رنج می‌برد که در مقام آسیب‌شناسی و ترغیب اتحادیه اروپا به رفع این نقاط ضعف باید این نکات را مد نظر قرار داد:

به جای اینکه پایه‌گذاری ابزار حمایت از مبادلات تجاری یک مبنای قانونی به واسطه مصوبه شورای اتحادیه اروپا داشته باشد که برای تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا جنبه الزام‌آور پیدا کند، صرفاً تشکیل این ابزار از طریق درج آگهی ثبت شرکت در روزنامه رسمی اتحادیه اروپا و از مجرای یک بیانیه مشترک بین کشورهای آلمان، انگلستان و فرانسه اعلان شد. به این ترتیب، قصور و نقض‌های ناشی از فعالیت این سازوکار فاقد ضمانت‌های اجرایی موجود در نظام حقوقی اتحادیه اروپاست و حداقل در این

مسئله جرم سیاسی از مسائل مهم در عالم حقوق و سیاست است. تلقیق مسائلی جدی پیرامون حقوق و آزادی‌های فردی، نظم عمومی و مقتضیات عالم سیاست در این موضوع، در پیش گرفتن راه‌حلی میانه‌را با سختی مواجه می‌کند. علاوه بر این عدم تعادل میان قدرت شاکی و مشتکی‌عنه در خصوص این جرائم و دسترسی حکومت به وسایل گوناگون قدرت، حمایت از مجرمان سیاسی را امری مطلوب و مناسب می‌کند. تجربه تلخ خفقان دوران پهلوی و نبود آزادی‌های سیاسی در کشور، برخوردهای خشن و کشتار مخالفان رژیم شاهنشاهی مقتن اساسی را بر آن داشت تا در متن قانون اسامی مقدمات شناسایی جرم سیاسی و ایجاد آیین رسیدگی خاص(علنی) و با حضور هیئت منصفه) به این دستست از جرائم را پیش‌بینی کند.اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرائم سیاسی ومطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شش‌رابط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.»
مقتن اساسی در واقع آهنگ آن دارد که محاکمه جرائم سیاسی و مطبوعاتی نه در پشت درهای بسته بلکه در برابر دیدگان عموم انجام گیرد و قضاوت نه فقط به وسیله قاضی حکومت بلکه با حضور قشری از مردم انجام شود تا نظم اجتماعی دستگاه حاکم دارای همه وسایلی قدرت به مجرم غیربرخوردار از این امکانات جلوگیری شود. مجلس شورای اسلامی در نهایت پس از گذشت ۳۸ سال موفق شد تا به این وظیفه محوله از سوی قانون اساسی جامه عمل بپوشاند و این قانون را با همه قوت و مضعن در سال ۹۵ به تصویب برساند. اکنون پس از گذشت حدود دو سال از تصویب قانون جرم سیاسی اعضای نمایندگان مجلس طرح اصلاح این قانون را تقدیم کرده‌اند. در مقدمه توجیهی این طرح آمده است که «با وجود این طرح بسیاری از پرونده‌ها که در از مصادیق جرم سیاسی به شمار می‌رود هنوز حتی در یک پرونده این قانون مورد عمل صالح‌راستادین دادگاه‌های دادگستری قرار نگرفته است. . . پس از بحث و بررسی کمیسیون به این نتیجه رسید که علت اصلی عدم اجرای قانون وجود پاره‌ای نقایص و

یادداشت محمد مهابرجی*

پدیده درهای چرخان

پدیده‌ای است که

منجر به استفاده

رفت‌وآمد کنندگان از این درها یا سوءاستفاده مطلق آنها از این اطلاعات و رانت‌های مختلف خواهد شد. پدیده درهای چرخان اشاره به تغییر گردش مشاغل از بخش دولتی به بخش خصوصی به برعکس دارد و در این فرآیند شخصی که سال‌ها در دستگاه‌های دولتی مشغول بوده است، در شاخه‌ای مرتبط با فعالیت خود، اکنون در بخش خصوصی فعال خواهد شد و از قدرت، نفوذ و روابط خود با اطلاعات و رانتی که دارد نهایت استفاده را می‌برد. مثال‌هایی از این پدیده، تبدیل ممیزان مالیاتی به مشاوران مالیاتی و تبدیل قضات به وکلای بعد از زمان بازنشستگی این گروه‌هاست؛ چون این اشخاص در زمان فعالیت خود در بخش دولتی با دستگاه، آشنایی بلندمدتی پیدا کرده‌اند و

مرحله نمی‌توان انتظار داشت که بقیه کشورها خود را بتوانند ذینفع از این سازوکار تلقی کنند.

هر چند بر اساس بیانیه مشترک سه کشور اروپایی، اینستکس با هدف صیانت از برجام ارائه شده است اما این سازوکار هیچ تکلیفی برای عاملان اقتصادی اروپا ایجاد نمی‌کند و به این ترتیب، با توجه به عدم رغبت شرکت‌های اروپایی برای پذیرش ریسک‌های ناشی از تجارت با ایران، همچنان سر قراردهایی که شرکت‌های ایرانی با طرف‌های اروپایی خود منعقد کرده‌اند، بی‌کلاه خواهد ماند.

در متن بیانیه مشترک، منظور از ایجاد ابزار حمایت از مبادلات تجاری اتحادیه اروپا، تسهیل تجارت مشروع بین ایران و عاملان اقتصادی اروپایی عنوان شده است و همین وصف «تجارت مشروع»، کافی است که بهانه‌های

حقوق

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۴۰

اینستکس از ۸ نقیصه رنج می‌برد



متنوعی در باب‌های گوناگون تحریم‌های حقوق بشری و موشکی، الزامات بین‌المللی مالی و تفسیرهای دامنه‌دار کشورها در خصوص محتوای معاملات با ایران از جمله اقلام دارای کاربرد دوگانه، چشم‌انداز روشنی از فعالیت مداوم و بی‌وقفه این نهاد به دست نیاید.

متن بیانیه مشترک در تأسیس اینستکس، نمایش تمام قدی از موضوعی‌ری به شدت محتاطانه و حتی واداده‌تر این سه کشور در مقابل تحریم‌های یکجانبه‌امریکا در مقایسه

با دستور موقت رقم قدیوان بین‌المللی دادگستری است.دیوان بین‌المللی دادگستری در چارچوب دستور موقت خود این اصل مبنایی در حقوق بین‌الملل را مورد حمایت از مبادلات تجاری اتحادیه اروپا،

بشردوستانه را نادیده بگیرد اما سه کشور اتحادیه اروپا،

اجرائی شدن نهاد اینستکس را مشروط به اجرای

کامل تعهدات ایران در خصوص امور مرتبط با مسائل

نقدی بر اصلاح یک قانون

جرم سیاسی، طرحی خالی از نگاه دقیق حقوقی است!



ابهام‌هایی در متن قانون است.» صرف‌نظر از بحث پیرامون ادعای ایشان در مورد وجود موارد متعددی که مصداق جرم سیاسی بوده‌اند اما به شیوه مقرر در قانون به آنها رسیدگی نشده است، باید گفت طرح پیشنهادی نیز موفق به تنویر ابهامات نشده است. ماده یک قانون فعلی مبتنی بر ضابطه عینی و ذهنی جرم سیاسی را اینگونه تعریف کرده است: «هرگاه رفتاری با انگیزه نقد عملکرد حاکمیت یا کسب یا حفظ قدرت واقع شود بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب‌های بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.» کشف قصد مرتکب و بالاتر از آن کشف انگیزه او از ارتکاب جرم امری بسیار مشکل است. انگیزه پنهانی‌ترین رکن یک جرم است و معلوم نیست مجرم چگونه می‌تواند انگیزه خود را

اثبات کند. خصوصاً آنکه تشخیص اصل سیاسی بودن جرم با قاضی است و هیئت منصفه در این مقطع دخالتی در دادرسی ندارد. شاید به همین علت است که طراحان طرح، ضابطه ذهنی را به کناری نهاده و جرم سیاسی را اینگونه تعریف کرده‌اند. «هریک از جرائم مصرح ماده ۲ این قانون که علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابند مشروط به انگیزه نقد مدیریت حاکمیت مسلمانانه یا خشنوت‌آمیز باشد، جرم‌سیاسی محسوب می‌شود.» در این تعریف سخن از جرم علیه «مدیریت کشور» به میان آمده است. معلوم نیست که منظور از «مدیریت کشور»، مدیران کشور هستند یا شیوه مدیریت کشور مدنظر قرار دارد. با توجه به قرابت لفظ «مدیریت» و «سیاست» در این ماده به نظر می‌رسد که گزینه دوم مقصود ایشان می‌باشد. این

جوان

۹

روزنامه جوان | شماره ۵۵۹۵

و کار قابل انجام است بسیار محدود می‌باشد و در واقع مهر تأییدی بر تحریم‌های یکجانبه امریکا تلقی می‌شود بنابراین اجرای شدن اینستکس به منزله آن است که اتحادیه اروپا در تثبیت تدابیر تحریمی و محدودکننده ایالات متحده شریک خواهد شد.

سیاست تدریجی و قطره چکانی این نهاد صرفاً خیرساز آن می‌دهد که زمینه تجارت کشورهای ثالث با ایران در آینده از طریق اینستکس فراهم شود بدون اینکه تعهد یا برنامه معین کوتاه مدتی در این ارتباط پیش‌بینی شده باشد. به این ترتیب، همواره تاجران ایرانی در وضعیت خوف و رجا به سر می‌زند که کجا این سه کشور درصد توسعه یا تنصیب دامنه کشورهایی که در این نهاد بتوانند سهم شوند، برمی‌آیند.

اجرائی شدن اینستکس تحت‌عالی‌ترین استانداردهای مربوط به پولشویی، مبارزه با تأمین مالی تروریسم و انتظار از ایران به اجرای سریع عناصر توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی (اف-ای-تی-اف) از دیگر نشانه‌های به گروگان گرفتن تجارت بین‌المللی ایران با شرکای اروپایی در قبال دیکته کردن الزامات و تکالیف ناشی از مقررات مالی بین‌المللی است.

اینستکس به عنوان یک شرکت با مسئولیت محدود، مجری و عامل تجارت نخواهد بود بلکه اولاً خود این شرکت، به عنوان یک نهاد اجتماعی است و نه تجاری. ثانیاً این نهاد قرار

است فقط خدمات محدود مشاوره‌ای به شرکت‌هایی که می‌خواهند با ایران معامله کنند، ارائه دهد. ثالثاً اقدامات این شرکت فقط جنبه توصیه‌ای دارد و نه تأیید الزام و اجباری را برای شرکت‌ها در معامله با ایران ایجاد کند. فراموش نکنیم که در دستور خدمات مشاورتی اینستکس ارائه می‌گردد صرفاً جنبه تهاتری و کلا به کلا دارد و همچنان دفعه‌دفعه دسترسی به اسکناس برای ایرانی‌چون خواهد داشت.

بنا به مطالبی که گفته شد استقبال رسمی از تأسیس بدو موضوع خدمات این نهاد را متمرکز بر مهم‌ترین بخش‌های ضروری برای مردم ایران نظیر دارو، تجهیزات پزشکی و مواد غذایی و کشاورزی اعلام کرده است. از این بیان می‌توان نتیجه گرفت که اولاً این سازوکار بستری برای معاملات دولتی ایجاد نمی‌کند و به تعبیر دیگر اروپا معاملات دولتی با ایران را از حیطة کار این نهاد خارج می‌داند. ثانیاً دامنه معاملاتی که در این ساز

هر چند خارج کردن کسانی که به قصد ضربه زدن به اساس نظام بدون توسل به خشونت از دایره جرم سیاسی آنچنان قابل تأمل است اما وارد کردن مجرمان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به جرائم سیاسی و حمایت‌های مقرر در قانون امری معقول نیست. مجرمان سیاسی افرادی هستند که به خاطر انگیزه شش‌افتمندانه خود در نقد حاکمیت و مواجهه دلسوزانه با جامعه خود قابل حمایت شناخته شده‌اند. حال چگونه می‌توان از مرتکبان جرائم مصداق ماده ۴۸۹ قانون مجازات بخش تعزیرات یعنی جرائم علیه امنیت به عنوان مجرمان سیاسی حمایت کرد. به ویژه آن که کشورهای دموکراتیک پس از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز رویکردهای سختگیرانه‌تری علیه جرائم تروریستی و علیه امنیت اتخاذ کرده‌اند. نکته جالب آن که طراحان در حالی مصادیق ماده ۴۸۹ را به دایره جرائم سیاسی می‌افزایند که تبصره ماده ۲ را دست‌نخورده باقی گذاشته‌اند. این تبصره به صراحت جرائمی از جمله جرم علیه امنیت داخلی و خارجی را از شمول عنوان جرم سیاسی خارج کرده است! در نهایت باید گفت هر چند هدف طراحان طرح اصلاح قانون جرم سیاسی هدف مطلوبی است و قانون فعلی می‌تواند مانند بسیاری از قوانین به نحو بهتری نگاشته شود اما ما قَبْذ لَمْ یَقَعْ. طرح فعلی نیز در موارد بسیاری خالی از نگاه دقیق حقوقی به مسئله مهم جرم سیاسی است که می‌تواند سبب از دست رفتن وقت و ظرفیت مجلس شورای اسلامی گردد و در پایان به‌رای به نظام اسلامی نرساند. مقتن اساسی به درستی مجلس را موظف به تعریف جرم سیاسی بر اساس «موازین اسلامی» کرده‌است. بنابراین بر مجلس است تا با انجام تحقیقات کامل به دست مجتهدان در منابع اسلامی جرم سیاسی را تعریف کند و نسبت درست آن با جرائمی چون جرائم علیه امنیت، مجرمان عظامی چون غبی و خروج بر امام عادل روشن کند. همچنین ظرفیت‌های نابی در فقه سیاسی مانند امر به معروف و نهی از منکر(موضوع اصل ۸ قانون اساسی) وقاعده‌التصحیح لاتّیّنه است که می‌تواند این اقو‌های روشنی را بیش روی نمایندگان بگشاید تا طرحی نو دراندازند.

در حالی است که جرم علیه شیوه مدیریت کشور در ادبیات حقوقی ناملموس و غیرقابل فهم است و تا کنون در قانون مجازات اسلامی «مدیریت» به عنوان مجنی علیه جرمی نیامده است. علاوه بر این جرم علیه «سیاست» نیز امری بدیع است. «سیاست» به عنوان مجنی علیه در جایی مورد حمایت مستقیم قانونگذار قرار نگرفته و با چنین عنوانی شناخته نشده است. طراحان نهاد در جمله پایانی ماده یک، عبارتی را اضافه کردند که محتوای آن پیش از این در تبصره ماده ۲ درج شده است و جرائم خشونت‌بار از شمول جرائم سیاسی خارج شده‌اند که تکرار آن در ماده یک سبب مبهم‌شانی خواهد بود. علاوه بر این ابهامات طراحان کوشیده‌اند تا دایره جرم سیاسی را گسترش دهند و جرائم بیشتری را به عنوان جرم سیاسی مورد حمایت قرار دهند.

«دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

متخصص و پژوهشگر اعلام آمادگی می‌کنند تا در ایجاد ضابطه و قانون ایشان را همراهی و مساعدت کنند و همچنین باید از تجربه کشورهای دیگر و قوانین وضع‌شده توسط آنها نیز استفاده بشود تا بتوانیم با کمترین هزینه ممکن، بیشترین بهره‌وری را ایجاد و از تجارب کشورهای دیگر استفاده کنیم. مطمئناً وضع یک قانون خوب، بهتر از وضع دهها قانون بدون استفاده و قوانین است و این خلأ قانونگذاری را یا باید عمدی مردم نباشد و مردم رفد آنها را احساس نکنند و طبیعتاً ملت ایران نیز در صورتی که اقدامات مثبت در جهت رفع مشکلات متعدد را مشاهده کنند، بی‌شک از کنار آنها ساده نخواهند گذشت و در بسیاری از موارد نشان داده‌اند که هر کجا نیاز به همراهی و همیاری آنان است، حضور خواهند داشت و به یاری و حمایت از مسئولان خواهند شافت.

مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق

داستان حقوقی

انتشار تصاویر مستهجن در صفحات شخصی جرم است!

یکی از رفتارهای منافق اصول اخلاقی انتشار تصاویر مستهجن در صفحات اجتماعی است که قانونگذار در ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای آن را جرم‌انگاری نموده است، یعنی آن را ممنوع اعلام کرده و برای

اشخاصی که از آن تخطی کنند، مجازات در نظر گرفته است. این هفته در ستون داستان حقوقی به بررسی یکی از پرونده‌هایی که به این

موضوع مرتبط است، خواهیم پرداخت.

آقای «ک» سال ۹۲ در شبکه اجتماعی فیس‌بوک تصویری منتشر کرد. بر اساس ادله مختلف از جمله اقرار و بازبینی رایانه وی این گونه تشخیص داده شد که تصویر از طریق رایانه شخصی این فرد در صفحه‌ای که به نام وی در فیس‌بوک وجود دارد، منتشر شده است. پرونده پس از انجام تحقیقات لازم در دادسرا با صدور قرار جلب به دادرسی به دادگاه کیفری ارسال شد. قاضی دادگاه پس از بررسی پرونده با استناد به ماده ۲۴۲ قانون تعزیرات که انتشار تصاویر و مطالب مستهجن را جرم‌انگاری کرده، آقای «ک» را به مجازات حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم کرد.

آقای «ک» به این رأی اعتراض کرد و پرونده در دادگاه تجدیدنظر مورد بررسی قرار گرفت اما دادگاه تجدیدنظر هم رأی دادگاه بدوی را تأیید کرد. با تأیید رأی در دادگاه تجدیدنظر، رأی قطعی شد.

از آنجایی که اعتراض به آرای قطعی شده صرفاً از طریق اعاده دادرسی ممکن است آقای «ک» با قطعی شدن رأی هم از اعتراض خود منصرف

نشد و این بار در قالب اعاده دادرسی به رأی صادره اعتراض کرد. تقاضای اعاده دادرسی بر مبنای این ادعا مطرح شد که اگرچه تصاویر منتشر شده

مستهجن هستند و از صفحه‌ای منتشر شده که به نام وی بوده است اما

انتشار این تصاویر در صفحه‌ای که به نام یک فرد است، به این معنا نیست

که توسط همان فرد صادر شده است.

پرونده در دیوان عالی کشور مطرح شد زیر طبق قانون دیوان عالی کشور

صلاحیت رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی را دارد. پس از بررسی پرونده

در شعبه دیوان عالی کشور، دیوان تقاضای اعاده دادرسی آقای «ک» را رد

و این گونه استدلال کرد که فیس‌بوک از شبکه‌های اجتماعی برمخاطب

است که هر آنچه در آن منتشر می‌شود، توسط تعداد زیادی از اشخاص

مشاهده می‌شود. علاوه بر این، این تصاویر مستهجن و مبتذل در صفحه‌ای

منتشر شده که به نام آقای «ک» بوده است و ادله موجود در پرونده اثبات

می‌کند که اتفاقاً خود ایشان این تصاویر را منتشر کرده‌اند. از این رو، دیوان

درخواست اعاده دادرسی را رد پذیرفت، بنابراین مسئولیت اولیه انتشار

تصاویر مستهجن از صفحات اجتماعی متعلق به شخص، بر عهده همان

شخص می‌باشد مگر اینکه اثبات کند این صفحه جعلی بوده و متعلق به

آن شخص نبوده یا انتشار در صفحه این شخص توسط اشخاص دیگری به

صورت غیر مجاز همانند هرگاه اتفاق افتاده است.

درخواست اعاده دادرسی در این خصوص زمانی می‌توانست موجه باشد که

برای مثال آقای «ک» می‌خواست با دلایلی که پیش‌تر در دسترس نداشته

اثبات کند که این تصاویر توسط شخص دیگری در صفحه او منتشر شده

است، بنابراین اینگونه فرد ادعای قبلی خود را که در دادگاه بدوی مطرح شده

است تکرار کند موجب پذیرش اعاده دادرسی نخواهد شد.

چند نکته در خصوص این پرونده باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- در صورتی که درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور مطرح

شود و دیوان آن را رد پذیرد، پرونده را برای بررسی به دادگاه

دیگری غیر از دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌کند ولی اگر

درخواست اعاده دادرسی مورد پذیرش او نباشد، آن را رد می‌کند.

۲- اعاده دادرسی از روش‌های استثنایی اعتراض به آرای قطعی است. از

این رو در این راستا قانونگذار شرایطی برای آن در مواد ۴۷۴ تا ۴۸۲ این

دادرسی کیفری بیان کرده است.

۳- مقصود از تصاویر مستهجن تصاویری است که دارای محتوای زننده و

غیراخلاقی است، در واقع قانونگذار این واژه را برای توضیح ناشایست‌ترین

تصاویری که می‌تواند عفت و اخلاق عمومی را تحت تأثیر قرار دهد، به

کار برده است.

داستان‌ها

شهادت دروغ ۲ سال حبس دارد

ادای شهادت دروغ مطابق قانون جرم بوده و دارای مجازات می‌باشد.
ماده ۶۵۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس یا به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
از طرف دیگر شهادت باید از روی قطع و یقین ادا شود. ضمن آنکه دادگاه حق تحقیق و بررسی لازم را در خصوص اخطا واقع بودن شهادت خواهد داشت. حاصل آنکه در صورت علم به خلاف واقع بودن شهادت، شهادت مذکور معتبر نباشی.

مواردی که در ثبت ملک نیاز به تنظیم اظهار نامه نیست

در تمام مواردی که املاک را به ثبت می‌رسانیم، می‌بایست اظهارنامه ثبتی تنظیم بشود و مقدمه عملیات ثبتی اظهار نامه موضوع ماده ۱۱ قانون ثبت و ماده ۲۲ آیین‌نامه قانون ثبت است اما در دو مورد استثنا شده است و نیاز به تنظیم اظهارنامه ثبتی نیست که عبارت‌ند از:
مورد اول: اراضی‌ای که در اجرای قانون اصلاحات ارضی به زارعان واگذار شده است.
برای صدور اسناد مالکیت این قبیل اراضی، مطابق ماده ۱۴۲ قانون ثبت، احتیاج به تنظیم اظهارنامه نیست و با نشر آگهی الصاقی نسبت به تحدید حدود این اراضی اقدام و سپس از تطبیق با مجاوران، سند مالکیت به نام زارع صادر و تسلیم می‌شود.
مورد دوم: دومین مورد اراضی‌ای که داخل محدوده شهری است و به موجب رأی کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری موات اعلام شده و این زمین پیشینه ثبتی ندارد، در این صورت هم وفق بند ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه قانون زمین شهری باید با رعایت حدود مجاوران، این زمین تحدید حدود شود و صورتمجلس تحدید حدود تنظیم گردد و سپس سند مالکیت به نام دولت صادر و تسلیم شود.

قوانین معافیت پارکینگ (کسر پارکینگ)

در مواردی که به دلایل فنی احداث پارکینگ مقدور نباشد با رعایت تراکم ساختمانی پیش‌بینی شده حق پارکینگ جهت احداث پارکینگ عمومی به صندوق شهرداری واریز می‌گردد:

۱- ساختمان‌هایی که در بر خیابان‌های سریع‌السير به عرض ۴٫۵ متر و بیشتر قرار داشته و دسترسی به حمل اوتومبیل را نداشته باشد.

۲- ساختمان‌هایی در فاصله ۱۰۰ متری تقاطع خیابان‌هایی به عرض ۲۰ متر و بیشتر (هر دو معبر بیشتر از ۲۰ متر) واقع شده و دسترسی به محل اوتومبیل را نداشته باشد.

۳- ساختمان در محلی قرار داشته باشد که ورود به پارکینگ مستلزم قطع درختان کهن بوده که شهرداری مجوز قطع آنها را نداده باشد.

۴- ساختمان در محلی قرار داشته باشد که به علت عرض کم کوچه (کمتر از ۴ متر به جز برای املاک انتهایی کوچه که کمتر از ۳ متر است) امکان عبور اوتومبیل نباشد.

۵- ساختمان‌هایی در معمیری قرار گرفته باشد که به علت شیب زیاد احداث پارکینگ از نظر فنی مقدور نباشد.

۶- در صورتی که وضع و رفع زمین و زمین ساختمان به صورتی باشد که از نظر فنی نتوان در سطح طبقات احداث پارکینگ کرد.

۷- قرار داشتن در حاشیه میدان و یا تقاطع ۲ متری از آن.